

بی خدایان Atheists ۲۷

www.bikhodayan.com

azam_kanguian@yahoo.com

سردبیر: اعظم کم گویان

ماهنامه بی خدایان

زن انسان است

بهرام صالحی از ایران

ای مردم، بدانید که زنان ناقص ایمان، ناقص بخت و ناقص خرد هستند اما نقصان ایمان آنان بازنشستگی ایشان از نماز و روزه در روزهای حیضشان می باشد، و اما نقصان خردشان همانا گواهی دوزن که مانند گواهی یک مرد میباشد، و اما نقصان بختشان در این است که میراثشان نصف میراث مردان است. بنابراین بکشید که از زنان بد پرهیز کنید و از خوبان آنها بر حذر باشید، و اگر شما را به کار نیکی فرا بخوانند از آنان اطاعت نکنید تا مبادا طمع ورزند، و به کارهای زشت و ادارتان سازند. (نهج البلاغه صفحه 454)

زن عقربی است که همنشینی با او شیرین و دلچسب است. (نهج البلاغه صفحه 469)

غیرت نشان دادن زن کفر است و غیرت نشان دادن من ایمان است. (نهج البلاغه صفحه 484)

جهاد زن سازگاری با شوهر و اطاعت از اوست. (نهج البلاغه صفحه 489)

بهترین خصلتهای زنان که تکبر و ترس و بخل است، نکوهیده ترین خصلتهای مردان بشمار می رود. (نهج البلاغه صفحه 507)

زن شر است! و شرترین چیزی که در اوست، این است که چاره ای جز

صفحه ۴

را دارند که به اعضایشان راه و روش و معنی و مفهوم در زمینه های زندگی اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، مذهبی و اقتصادی می بخشد. مدافعین مالی کالچرالیسم می گویند چون این ارزشهای فرهنگ اجتماعی نقش مهمی در زندگی اعضای اقلیتهای گروهی و قومی دارند و از آنجا که این فرهنگ های اقلیت در معرض از بین رفتن هستند، لازم است از طریق اعطای حقوق گروهی به آنها حفظ و تحکیم شوند. اما بخش مهمی از این نورمهای اجتماعی از قبیل بردگی زنان، ختنه زنان، ازدواجهای اجباری، قتلهای ناموسی و بسیاری از روشهای وحشتناک دیگر نباید مورد احترام قرار بگیرند. چنین رسم و روشهای غیر قابل قبول بخش مهمی از کل بسته مالی کالچرالیسم هستند که باید طرد شوند.

روسای اقلیتها و اجتماعات مذهبی و فرهنگی اقلیت سرسختانه از جداسازی فرهنگی و مذهبی اقلیتها دفاع می کنند تا نه فقط سنتهای فرهنگی و مذهبی خود را حفظ کنند بلکه قدرت، نفوذ و کنترل خود را در اجتماعات و محیط های تحت نفوذ خویش تحکیم کنند. بسیاری از آنها در مساجد دارای نفوذ هستند. آقای محمدال مصری یکی از روسای اسلامیون و مدافع برپایی دادگاههای اسلامی شریعه در کانادا اخیرا در مورد تمایل شدید مردم از منشا مسلمان در کانادا برای ادغام در فرهنگ رسمی و اصلی کانادا اظهار نگرانی کرد. او گفت: "من نگرانم به این دلیل که یک الگوی هشدار دهنده را در

حقوق جهانشمول در مقابل حقوق گروهی (اقلیت)

مالی کالچرالیسم راسیسم وارونه است

محصول روشنگری و جنبشهای پیشرو و برابری طلب است، برتر هم می دانند. لباسهای قومی رنگارنگ و غذاهای ملی گوناگون ممکن است جالب و جذاب بنظر بیایند اما با رنج و ستمی که زنان و کودکان در سراسر جهان متحمل می شوند، مالی کالچرالیسم بطور فزاینده ای بعنوان خط مشی ای که این رنج و ستم را تداوم می بخشد، دیده می شود. در واقع مالی کالچرالیسم با دفاع از ارزشهای فرهنگی و مذهبی و نادیده گرفتن سیاهی و ستمگری این فرهنگها و مذاهب، از جنایات وحشیانه نسبت به زنان حمایت می کند. سیاستمداران و مدافعین پایبند به نزاکت سیاسی، "تنوع" و یک بهشت فرهنگی چندگانه را برای ما موعظه می کنند اما تعداد کمی هستند که به فرهنگها و مذاهب سیاهی که غیر انسانی و بیرحم هستند، توجه می کنند و اکثران نسبت به این مساله مهم لاقیدی نشان داده می شود. دولتهای غربی در دهه های اخیر فعالانه خط مشی مالی کالچرالیسم را بکار گرفته اند، حقوق گروهی و اقلیت را در مقابل حقوق جهانشمول تشویق و حمایت کرده اند. گفته می شود که این گروهها "فرهنگ اجتماعی" خود



اعظم کم گویان

در جدل پیرامون قانون منع سبیل های مذهبی در مدارس و موسسات دولتی در فرانسه و برپایی دادگاههای حکمیت مبتنی بر قانون اسلامی شریعت در ایالت اونتاریو کانادا، مساله حقوق گروهی (اقلیت) برجسته شد و مطرح شد که باید به فرهنگ و مذهب اقلیتها احترام گذاشت. آیا ما باید به فرهنگ و دین اقلیتها احترام بگذاریم؟ تا چه حد؟ چگونه می توان آزادیهای فردی را رعایت کرد اگر مداوما تاکید روی تفاوت های فرهنگی باشد؟ آیا باید نقش مذهب را در امور جامعه مدنی محدود کنیم؟ آیا بین حقوق شهروندی افراد با حقوق آنان بعنوان عضو اقلیتهای مذهبی و فرهنگی تضاد و تناقضی وجود دارد؟ مدافعین مالی کالچرالیسم استدلال می کنند که هر فرهنگی و در واقع همه فرهنگها به یکسان ما را بعنوان انسان بیان و منعکس می کنند. در حقیقت برخی از مدافعین حاکمیت مالی کالچرالیسم حتی فرهنگهای سنتی را از فرهنگ جهانشمول

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

عبارتند از: ازدواجهای اجباری، و همسر و پدر خود کمتر از زنان قتل‌های ناموسی، قتل زنان بخاطر جهیزیه در بین جوامع آسیایی مهاجر، حجاب اجباری و ختنه زنان. این احترام به فرهنگ و مذهب اقلیت منجر به بی‌حقوقی زنان و دختران و عدم حمایت از آنان و حاشیه‌ای کردن نیروها و جریان‌های مترقی در اقلیتهای گروهی شده است. اگر به زندگی اجتماعات و جوامع این اقلیتهای فرهنگی و مذهبی سری بکشید متوجه می‌شوید که افراد بیشماری در چنگال رسوم و روشهای ستمگرانه و سرکوبگرانه که از سوی خود آن جامعه به آنان روا داشته می‌شود، گیر کرده‌اند. ایدئولوژی مالتی کالچرالیسم با متهم کردن هر کس که زیر بار رسوم فرهنگی با گذشت زمان و در مقابل نقد و جدل تغییر می‌کنند و ناگزیر از تحول می‌شوند. در تقدیس تفاوت‌هایی که مردم را تقسیم و متفرق می‌کند، مالتی کالچرالیسم علیه ارزشهای جهانشمول انسانی و اخلاقی و حقوق و آزادیهای فردی می‌ایستد. همه فرهنگها برابر نیستند این واقعیت که انسانها به فرهنگی منتسب و مربوط هستند به این معنی نیست که پس همه فرهنگها برابر هستند. برخی از ایده‌ها، برخی قوانین، بعضی خط‌مشی‌ها و سیستم‌های سیاسی و حتی تکنولوژی و روشهای زندگی، بهتر از انهای دیگر هستند. و برخی از جوامع و بعضی از فرهنگها از بقیه بهترند: عادلانه تر، آزادتر، تساوی طلبانه تر و برای پیشرفت انسان مناسب تر هستند. حقیقتا خود ایده برابری، محصول روشنگری و انقلابات سیاسی و فکری بود که در اثر آن ببار آمد. دیدن انسان بعنوان موجودی که یک فرهنگ ثابت و تغییرناپذیر دارد، بمعنی انکار تغییر و تحول در منش و روش انسان است. این دیدگاه، انسان را چنان از نظر مجازات کمتری می‌شدند. و قتی که زنی از یک اقلیت فرهنگی و مذهبی مردسالار به غرب می‌آید، چرا باید در مقابل خشونت مردان

در کانادا برای مسلمانان و یهودیان کافی نیست. بطور مثال در فرانسه حق ازدواج متعدد همزمان - تعدد زوجات برای مردان مسلمان - بعنوان یک حق گروهی در نظر گرفته شده که مشمول بقیه جمعیت کشور نمی‌شود. در موارد دیگر اقلیتهای قومی و گروهی خواهان حقوقی برای اداره خود شده، دارای نمایندگی سیاسی خاص و تضمین شده خود هستند یا از تبعیت قوانین سراسری کشور خود را معاف کرده‌اند. بسیاری از فرهنگها مردسالار هستند و بسیاری دیگر از فرهنگهای اقلیتها (البته نه همه) از سایر فرهنگها مردسالارترند. سندی منتشر شده در ۱۹۸۶ در مورد حقوق قانونی و درخواستهای گروههای مهاجر مبتنی بر فرهنگ گروهی خود و کولی‌ها در بریتانیای معاصر خواستهای این گروهها را برای حقوق ویژه براساس تفاوت‌های فرهنگی‌شان با دیگران را مطرح می‌کند. تعداد کمی از خواستها مربوط به زنان و رابطه زن و مرد هستند، بطور مثال درباره معلمان مسلمانی که برای شرکت در نماز جمعه از کار در جمعه بعد از ظهر معاف شده‌اند، یا فرزندان کولیها که خواسته‌اند کمتر از مقررات حاکم درسی و آموزشی بخاطر سبک زندگی اقلیت فرهنگی و گروهیشان تبعیت کنند. اما بخش عمده مثالها مربوط به بیحقوقی زنان و رابطه نابرابر زن و مرد است: ازدواجهای اجباری، سیستم طلاق تبعیض آمیز نسبت به زنان، تعدد زوجات، حجاب اجباری، و ختنه زنان. تقریبا کلیه خواستهای زنان و دختران در مورد این بود که حقوق فردی شان بدلیل رسم و روشهای فرهنگی و گروهی پایمال شده است. در اقلیتهای گروهی بین استقلال یک خانواده و حفظ حقوق فردی اعضای خانواده بویژه زنان و کودکان تضاد و تناقض وجود دارد. باید در مقابل رسوم فرهنگی که بنیادا حقوق افراد را پایمال می‌کنند سد قانونی محکمی بوجود آورد. نمونه‌های چنین رسومی اخبار و گزارشات می‌بینم که پدیده خیلی خطرناکی را نشان می‌دهند - بحران عده‌ای که بمعنی اخص کلمه برای جذب شدن در فرهنگ رسمی جامعه سرسختانه مشتاق هستند. نتیجه نهایی و محتوم چنین رفتاری از دست دادن هویت، احترام به خود و درست حدس زدید از دست دادن احترام دیگران نسبت به خود است. بدتر اینکه کسانی که چنین مشتاقانه می‌خواهند جذب جامعه بشوند نه تنها جذب نمی‌شوند بلکه حاشیه‌ای باقی می‌مانند. در مباحثات عمومی اخیر در انتاریو درباره کاربرد قانون شریعه در دادگاههای حکمیت خانوادگی، عده‌ای از مسلمانان نسبت به کلمه شریعه ابراز شرم و بی‌زاری کردند، دیگران از کاربرد آن دفاع کردند اما گفتند که کمبودهای جدی دارد و عده دیگری تماما آن را رد کردند. آیا اینها هم گرفتار این پدیده "اشتقاق برای جذب و ادغام در جامعه" شده‌اند و بهمین دلیل اصول اساسی ایمان خود را از دست داده‌اند؟ مدافعین مالتی کالچرالیسم معمولا دو نوع استدلال را در دفاع از آن مطرح می‌کنند. اول، آنها ادعا می‌کنند که مالتی کالچرالیسم تنها راه تامین یک خط‌مشی تolerant و دمکراتیک در دنیایی است که ارزشهای عمیقاً متفاوت فرهنگی ریشه دارند. این استدلال غالبا به این ادعا که تلاش برای برقراری ارزشهای یونیورسال محتوم به شکست است و به راسیسم و ستمگری منجر می‌شود، مربوط است. دوم، آنها ادعا می‌کنند انسانها نیازی پایه‌ای به الصاق فرهنگی دارند و استدلال می‌کنند این نیاز با برسمیت شناختن ارزشهای فرهنگی در سطح پابلیک و اجتماعی و حمایت از فرهنگهای مختلف مقصور می‌شود. مدافعین مالتی کالچرالیسم استدلال می‌کنند که حقوق فردی برای حمایت از حقوق اقلیتهای فرهنگی یا راه و روشهای زندگی متفاوت مانند تعدد زوجات مردان مسلمان در فرانسه یا دادگاههای حکمیت

نقد برهانهای اثبات وجود خدا بخش سوم برهان علت

کارن دیبا از ایران

اگر بخواهیم خلاصه ای از برهان علت بیآوریم باید این را ذکر کنیم که: «در بین پدیده ها سلسله ای از علل وجود دارد و هر کدام علت وجودی پدیده ای دیگر است، پس باید علت نخستینی وجود داشته باشد که این علت نخستین خداست.»

بسیار خوب است که قبل از نشان دادن تناقضات فاحش این برهان به چندین نکته توجه کنیم. اول اینکه این برهان جز محکم ترین براهین از سوی متکلمان اسلامی و خداپرستان غیر اسلامی شمرده می شود و تقریباً

عمومیتی بی حد و مرز برای خداپرستان دارد و همراه با برهان نظم جز شالوده تفکر خداپرستان است و باید خیلی در نقد آن در مباحث تکیه کرد. دومین نکته اینکه این برهان دقیقاً یک ریشه تاریخی دارد. زمانیکه مرئمان علت باران را خدای باران و علت مردن احشام شان را به یک بت نسبت می دادند دقیقاً علت یک واقعه را نمی دانستند و برای آن پدیده ها علت تراشی می کردند. چون نمی توانستند علل واقعی یک پدیده را توضیح بدهند آنرا به بت ها، آتش، خورشید و ماه، خدایان و در نهایت به موجودی خیالی و فرضی به اسم الله نسبت می دادند. این میراث نادانی به خاطر کارکردی که مذهب و خدا برای حاکمان در آرام کردن مردم داشت به ما رسیده است. اما دیگر کافی است و آنرا باید به تاریخ سپرد. بحث از اینجا می تواند آغاز شود

که آیا سلسله علت ها امری جهانشمول است یا می توان پدیده ای را پیدا کرد که بدون علت باشد؟ توضیح این امر ضروری است که برهان علت و اینکه هر پدیده ای علتی دارد یک قانون علمی نیست و هیچ اثباتی برای آن ارائه نشده است. چون پذیرفتن پدیده بدون علت برای انسان امری سخت و دشوار می نماید اگر جایی هم نتواند علت چیزی را تشخیص دهد گناه را به ذهن علیل خود نسبت می دهد نه به نبود سلسله علت ها. اما بیایید فرض کنیم تسلسل علت ها درست است و قانونی جهانشمول است پس به این سوال می رسیم که علت، "علت اصلی" (خدا) چیست؟ اگر خدا علتی داشته باشد که از مقام «انسان ساخته ی «خدایی برکنار می شود و اگر برای خدا علتی نباشد پس به این نتیجه می رسیم برهان علت جهانشمول و

تفاوتهای خود را در سیستم اجتماعی جامعه نهادی کنند. ما باید رسوم و سنتهای مذهبی و فرهنگی را محدود کنیم نه آزادیهای فردی را. محدود کردن مذهب کمک می کند یک جامعه عادلانه تر و برابرتر بویژه برای زنان و کودکان ایجاد بشود. محدود کردن سببهای مذهبی مانند حجاب در مدارس و محیط های در فرانسه محدود کردن آزادی مذهبی نیست چون یک منع اجتماعی برای محدود کردن نفوذ مذهب بر زندگی سیویل و اجتماعی است. در یک جامعه متمدن مذهب و روشهای مذهبی باید تا آنجا که امر خصوصی مردم باقی می ماند، آزاد باشند. در یک جامعه سیویل جایی برای صنعت مذهب نیست، در عین اینکه آزادی مذهبی افراد در زندگی خصوصی باید تامین شود. ۷ ژوئیه ۲۰۰۵ در پاریس - چه باید کرد؟ چگونه می توانیم فرانسه در صدمین سالگرد تولد آزادیهای فردی را در یک جامعه سکولاریسم در فرانسه برگزار

احساسات همگی جنبه هایی از زندگی خصوصی ما هستند و نباید دخلی به دولت و مقامات عمومی و علنی داشته باشند. با اینحال دولتها در غرب، بودجه عمومی را صرف امور می کنند که باید خصوصی محسوب شوند. آنها اینکار را می کنند تا بتوانند مردم را بیشتر و بیشتر از هم جدا کنند و بین آنها تفرقه بیندازند. یک جامعه حقیقتاً پلورالیستی جامعه ای است که در آن شهروندان آزادی کامل دارند که به ارزشهای فردی و متفاوت خود در عرصه خصوصی جامعه عمل ببوشانند اما در عرصه اجتماعی کلیه شهروندان با هر تفاوت فردی و ارزشی که در عرصه خصوصی دارند باید بعنوان افراد برابر محسوب شوند. امروز البته پلورالیسم معنای کاملاً متضاد و برعکس این پیدا کرده است. حق داشتن یک مذهب، صحبت کردن به یک زبان معین، پیروی از یک سنت فرهنگی ویژه به یک امر اجتماعی تبدیل شده بجای اینکه بعنوان یک امر خصوصی در نظر گرفته شوند. جریانات مختلف ذنیف می خواهند

برابری بطور فزاینده ای در مقابل تاکید بر تفاوت و دگرگونی در جامعه باخطر حاکمیت ارزشهای فرهنگی اقلیت زیر پا گذاشته شده است. کمپین کردن برای برابری یعنی به چالش کشیدن رسوم و روشهای عملی، و بمعنی اعتقاد به تغییر و تحول اجتماعی است. در مقابل، تقدیس تفاوتهای بین مردم باعث می شود جامعه را همانطور که هست بدون چشم انداز هیچ نوع تغییر مثبتی ببینیم.

چرا از من بعنوان یک آته ایست و مدافع حقوق زنان باید انتظار احترام به مسیحیت، اسلام و یهودیت بروم که من دیدگاهها و استدالات آنها را ارتجاعی و غالباً منحط می دانم. چرا سازماندهی جامعه را باید طوری انجام بدهیم که خواستهای عقب مانده، ضد زن و ضد هم جنسگرایان از سوی مذاهب را در خود بپذیرند؟ من چه اشکالی دارم اگر خواهان تغییر این فرهنگها و تحول آنها به سمت بهتر شدن باشم؟ و بخواهم عناصر غیر انسانی آنها حذف و طرد بشوند؟ فرهنگ، مذهب، روش زندگی و



از صفحه ۱

بودن با او نیست! (نهج البلاغه که ابتدا آدم که یک مرد است آفریده شد و بعد زن آفریده میشود صفحه 508)

تا میتوانید از معاشرت با زنان تا نیازهای آدم را برطرف کند. از روی برتابید، و کمتر به سوی خشونت و ستم علیه زنان از آنان بشتابید. (نهج البلاغه صفحه 513)

هنگامی که زنان به سن بلوغ برسند برادران و عموهای آنان بیش از سایرین حق دارند درباره تزویج و همچنین حقوق اجتماعی دیگرشان اظهار نظر کنند. (نهج البلاغه صفحه 512)

زنانیکه از نافرمانی آنان بیمناک هستید باید نخست پند دهید و از خوابگاهشان دوری جوید در صورت نافرمانی آنان را کتک بزنید (قرآن سوره نساء آیه 34) زنان کشتزار شمايند و در هر کجای کشتزار خود میتوانيد وارد شويد (سوره بقره آیه 223) از احاديث محمد در کتاب نهج الفصاحه

اگر زنی خود را معطر کند و بر مردمی بگذرد که بوی او را دریابد زناکار است. (حدیث شماره 177) خطر ناکترین دشمن تو همسر تو است که با تو همخوابه است و مملوک تو است (حدیث شماره 339)

بهترین مسجد زنان کنج خانه آنهاست (حدیث شماره 1532) فرزندان خود را شنا و تیر اندازی آموزید و زنان را نخ رشتن (1954)

شست و شوی مغزی همین است که به زن آموزش میدهند که حقارت و پستی را بدون کوچکتری اعتراضی بپذیرد. بیشماری از زنان را میتوان یافت که باور دارند که ناقص العقل هستند، برده و جزو مایملک مرد هستند و تنها هدف از آفرینششان خدمت‌گزاری برای مردان و برطرف کردن نیازهای مردان است. کتاب‌های آسمانی را مردان نوشته اند و خداوندی که ساخته اند نیز مرد است که تنها منافع مردان را نمایندگی میکند. در مسیحیت و یهودیت و نیز در اسلام تاکید شده است که زنان برای مردان آفریده شده اند، داستان

آفرینش نیز از این حکایت میکند

اسیر باشد؟ چرا زن با کشتزار مقایسه شود؟ چرا زن باید کتک بخورد؟

چرا شهادت دو زن مساوی با شهادت یک مرد است؟ چرا زن نصف مرد ارث میبرد؟ چرا زن نصف مرد ارزش دارد؟ چرا زن باید فرمانبردار باشد؟ چرا زن باید کنیز و برده باشد؟ چرا زن شراست؟

چرا جهاد زن اطاعت از شوهر اوست؟ چرا زن عقرب است؟ چرا زن ناقص العقل است؟ چرا زن از حیوان هم پست تر است؟ چرا یک زن باید این‌ها را بپذیرد؟

خیر، نباید این ظلم و نابرابری را تحمل کرد، زن انسان است و مرد و زن باید برابر باشند. زن ناقص العقل نیست. به جز موارد استثنا اکثریت انسان‌ها دارای مغز و فهم هستند و تنها تفاوت در اینجاست که تا چه اندازه مغز انسان چه زن و چه مرد آموزش دیده و رشد یافته است.

تا چه اندازه امکانات و شرایط محیط برای پرورش یک انسان آگاه و باشعور مهیا بوده است. که علت نا آگاهیست. آن زنی که در مراسم خواستگاری میبینید که عده ای مشغول نرخ گذاری بر وی و تاییین مقدار مهریه و شیربها هستند به احتمال قوی بسیار خوشحال نیز هست و هرگز متوجه پستی و حقارت خویش نیست که مقامش از انسان به یک کالای تجاری که در بازار نرخ‌گذاری میشود پایین آمده است، نا آگاه است کسی تا به حال در باره حق و حقوقش با او سخن نگفته این اتفاق را قانون طبیعی تصور میکند. آن زنی که علی را پیشوای خود میداند و حتی او را میپرسند نا آگاه است هرگز نه تاریخ را مطالعه کرده و نه حتی کتاب نهج البلاغه علی را، تا در یابد که علی جنایتکار پلیدی بیش نبود که جز کشتن و خونریزی در تاریخ عمل دیگری از وی مشاهده نمیشود تا آنجا که به دستور پیامبر 700 نفر از یهودیان قوم بنی قریظه که گناهی جز دگر اندیشی نداشتند را گردن زد و هرگز نمیداند که علی وی را ناقص العقل

و عقرب خطاب کرده است و اگر هم در کتاب خوانده باشد قبول میکند که واقعا ناقص العقل است. آن زنی که محمد را پیامبر خدا میداند و از او پیروی میکند هرگز نمیداند که این انسان کثیف به دختری 8 ساله تجاوز کرده است و زن را تنها به چشم کشتزار نگاه میکند. آن زنی که قرآن را کتاب آسمانی میندازد نمیداند که قرآن حکم بردگی و ستم‌کشی وی را صادر کرده است و به مردان اجازه کتک زدن وی را داده است. نتیجه این است که مشکل یک نا آگاهی و نداشتن مطالعه و دو شرایط محیط اجتماعیست که در آنجا آموزش نمی‌بینند. به دختران از کودکی در مدارس کتاب‌های مذهبی را آموزش میدهند تا در مغزشان فرو کنند که تو ناقص العقل و برده ای بیشتر نیستی و ستم‌کشی و نابرابری را باید تحمل کنی و تنها با دستاویز به افیون مذهب و توسل به خدا میتوانی دردهایت را تسکین دهی و منتظر بمان تا روز قیامت فرا برسد، یا امام زمان ظهور کند تا عدالت را برپا کند!

اینها فریب است. مذهب فریب است، خدا فریب است، روز قیامت فریب است. نباید از خدایی که باعث مصیبت هاست و فرمان بردگی زن را صادر کرده است طلب کمک داشت، نباید ستم‌کشی را تحمل کرد به امید روزی که نجات دهنده ای برسد. باید ایستاد و مبارزه کرد. در بسیاری از نقاط جهان مردم آزادیخواه و برابری طلب سالهای سال مبارزه کرده اند و دست مذهب را از زندگی انسانها کوتاه کرده اند و برابری نسبی مرد و زن برسمیت شناخته شده است. ما در کشورهای اسلام زده وظیفه سنگینی در پیش رو داریم هم در مبارزه برای سرنگون کردن حکومت‌ها اسلامی و مهمتر از همه آگاهی‌رسانی به مردم. ننگ بر اسلام، ما آزادی و برابری می‌خواهیم، ما به خدا نیازی نداریم، ما منتظر نخواهیم ماند تا روز قیامت فرا رسد و کسی ما را نجات دهد، محکم بایستیم. تیشه‌ها را برداریم و بر ریشه اسلام زنیم.

ورای اعتقاد

ریچارد دواکینز

ترجمه:
اعظم
کم گویان

از: گاردین
۱۰ ژانویه
۲۰۰۶



ذهنی که در خانواده ها بطور ارثی منتقل می شوند، بود. همین ماله و یا مشخص تر بگوئیم یک نوع معین از آن است که موجب نارضایتی و ایرادگیری فعلی دواکینز شده است.

طبق تئوری دواکینز این "ویروسهای ذهنی" – meme – هم مانند ژنها تابع پروسه انتخاب طبیعی می شوند. اما "ویروس" مربوط به مذهب با مقاومت و پافشاری به نابودی تن نمی دهد. "شما می توانید ببینید "ویروس" مذهب از کجا بوجود آمد: زمانی که دنیا جایی غیر قابل فهم و ترسناک بود، اعتقاد به یک قدرت مافوق طبیعت هم آرامش بخش بود و هم از نظر اجتماعی قابلیت جذب داشت. با پیشرفت درک ما از جهان قاعدتا منتظر بودیم که این "ویروس" جای خود را به خردگرایی و تعقل بدهد. با این حال خلاف این انتظار بوقوع پیوسته است. علیرغم شواهد و مدارک غیر قابل انکار و وسیع علمی برای درک داروین از تکامل، اعتقاد مذهبی و دین بنیادگرا همچنان مانند گذشته مطرح هستند.

مذهب با هر تک استخوانی در پیکر آتیه ایستی و خردگرایی دواکینز سر تعارض دارد. او می گوید: "می توانید ببینید چرا مردم می خواهند به چیزی معتقد باشند." "این که دنیای دیگری هست که آنجا می توانید با عزیزان خود دوباره بهم برسید و زندگی کنید بسیار تسکین دهنده است البته نه برای من. پای بندی به چنین اعتقادی که علیه کلیه شواهد و مدارک علمی و تعقلی است حقیقتا مضر و گمراه کننده

است." اگر ایمان فردی برای دواکینز، بیان جهل است مذهب جمعی و دین سازمان یافته از نظر وی بسیار زیان آور و موجب تباهی است.

این باعث شد دواکینز دو فیلم برای کانل 4 تهیه کند و کتاب جدیدش: "فریب خدا" که سپتامبر امسال منتشر می شود را بنویسد. دواکینز این پروژه ها را تمرینهایی برای "ارتقای آگاهی" توصیف می کند اما فیلمها در خط اول مخالفت با دین و تحقیر آن قرار دارند. پروتستانیسم کاتولیسیسم یهودیت و اسلام همه زیر ضرب قرار می گیرند. فیلمها قدرتمند و بسیار خوب مستند هستند اما ظریف و رندانه نیستند. ریچارد هرریز اسقف آکسفورد بعنوان صدای لیبرال دین بصدا درآمده اما بیشتر بنیادگرایان هستند که زیر ضرب دواکینز قرار می گیرند. "اینها عمیقا خطا می کنند." "اما من با دیدگاههای آنها بیشتر از شاخه باصطلاح لیبرال شان سمپاتی دارم. حداقل بنیادگراها سعی نکرده اند پیام خود را آبکی و رقیق کنند. ایمان آنها در معرض دید همگان قرار گرفته تا ببینند و عبرت بگیرند."

چنین چیزی نیست چیزی که بیش از همه دواکینز را خشمگین می کند روشی است که مذهب سواری می گیرد. او می گوید: "ما با چنان نزاکت سیاسی با مذهب رفتار می کنیم که با هیچ نهاد دیگری برخورد نمی کنیم." حتی سکولاریست ها درباره کودکان مسلمان و یهودی و کاتولیک حرف می زنند. چنین چیزی وجود ندارد. کودکان با ژن مشخص مذهبی متولد نمی شوند. آنها کودکانی زاده شده از والدین کاتولیک و یهودی و مسلمان هستند. اگر شما درباره کودکان مونتا ریست و مارکسیست حرف بزنید همه به شما بعنوان یک کودک – آزار می نگرند. اما برای این دین همه استثنا قائل می شوند. ما قادر نیستیم بین دین و نژاد تفکیک و تمیز قائل شویم. بین آنها یک همسویی آماری دیده می شود اما هر کدام قائم بذات

استند و نباید بگذاریم که آنها را با هم مخلوط کنند." همانطور که انتظار می رود دواکینز قائل به مدارس مذهبی هم نیست. او استدلال می کند که این جداسازی نباید جایی در سیستم آموزشی داشته باشد. "به ایرلند شمالی نگاه کنید. می توان از دست تخصصات سختی و فرقه ای فقط در طول عمر یک نسل خلاص شد اگر خود را از شر مدارس مذهبی خلاص کنیم." دواکینز بیشترین حس تحقیر خود را نسبت به خلقت گرایی ابراز می کند. او می گوید: "اینکه چگونه یک دولت می تواند محیط های آکادمیک شمال شرق انگلستان را حمایت کرده و به آنها پروبال بدهد و رای فهم و درک من است." "تونی بلر از آنها تحت عنوان تنوع آرا و افکار دفاع می کند اما نمی توان تصور کرد که در قرن 21 ما مدرسه ای داریم که در آن رئیس دروس علمی معتقد است که عمر جهان کمتر از ده هزار سال است."

تکامل هرچه را که دواکینز لازم دارد به او می دهد – او می گوید: "اگر جهان های دیگری در گیتی وجود دارد من گمان می کنم که آنها هم تحت قوانین انتخاب طبیعی اداره می شوند." اما وی تصدیق می کند هنوز در دانش کنونی ما در مورد جهان شکاف و سوراخهایی وجود دارد. او می گوید: "البته ما می خواهیم در مورد زمان دقیق بیگ بنگ – انفجار بزرگ – بدانیم – اما تحمل یک آفریننده "هوشمند" کاتولیک چیزی به دانش کنونی ما اضافه نمی کند چون ما نمی دانیم آن مشخص مذهبی متولد نمی شوند. "هوشمند" را چه کسی خلق کرده است؟"

متأسفانه برای دواکینز، دقیقا همین سوراخها و شکافهاست که مذهب مونتا ریست و مارکسیست حرف بزنند همه به شما بعنوان یک کودک – آزار می نگرند. اما برای این دین همه استثنا قائل می شوند. ما قادر نیستیم بین دین و نژاد تفکیک و تمیز قائل شویم. بین آنها یک همسویی آماری دیده می شود اما هر کدام قائم بذات

دو نکته درباره دین و علم

اعظم کم گویان

از قدیم گفته اند: "مردم معمولاً فکر می کنند دین حقیقت است، انسانهای فکور آن را جعلی و کلیه حاکمان دین را بسیار مفید می دانند" این آخری در مورد همه از بوش و بلر تا ریگان و کلینتون و خمینی و خاتمی و هر دیکتاتور ریز و درشت و دیگر صادق است. باز هم از قدیم گفته اند: "اگر خدا وجود نمی داشت، آن را اختراع می کردند" دین برای بشر توهمات می آفریند و آلام وی را تسکین می دهد تا بتواند با ترسها و نگرانیهای خود مقابله کند. از مرگ می ترسید؟ به محمد و عیسی پناه ببرید تا دوباره بعد از مرگ زنده شوید. دنیا خیلی غیر عادلانه و ستمگرانه است؟ دست زدن به انقلاب و مبارزه برای آزادی ممکن است ریسکی و خطرناک باشد و به ثمر هم نرسد. اینها را فراموش کنید و به خدا ایمان بیاورید که بعد از این دنیا در آخرت بالاخره عدالت را مستقر و خوبها را پاداش و بدها را به مجازات می



است تا با آدمهای دیگر باشد. بیشتری در عرصه اجتماعی قد او اذعان می کند که: "من داشتم به علم می کردند. برنامه نویسی کامپیوتر معتاد می دوامینز اخیراً ضدیت خود را با شدم" "آن روزها برنامه های سلطنت از طریق یک حمله کامپیوتری کافی نبود و من ناچار سرزنش آمیز به پرنس چارلز بودم با استفاده از برنامه های اعلام کرد. کامپیوتری نگارش برنامه های هیچکس قبل از اینکه بمیرد در پیچیده مورد نیاز تحقیقاتم را مورد افکار دوامینز بی اطلاع بنویسم. هرچند من برنامه نویسی نخواهد بود. ممکن است دوامینز کامپیوتری را این روزها نامناسب در مورد تعبیر دیگران از ایده می دانم و دیگر این کار را نمی هایش نگران باشد اما همیشه صدای واقعی او آخرسر شنیده می گسست بین شخصیت او بعنوان و یک فرد با - Nerd یک نرد دانشمندانی است که علم را برای مردم در کل دوران تحقیق علمی عامه مردم قابل فهم می کنند: آنها او وجود داشته است. گرچه برای احزا و بخشهای کوچک بید دوامینز دارای کرسی چارلز آورده می شوند تا بخاطر کل و مجموعه پیچیده بیاد آورده شوند. و چه می شود اگر بلبل بد شانسی زمانی که می خواهد بمیرد به وجود خدا پی ببرد؟ او مانند یک دیوانه به من نگاه می کند و آخر سر می گوید: "سوال آنقدر پرت و بی معنی است که حتی نمی توان لطف کرده و جوابی فرضی به آن خصلت پلمیکی دارد گرچه اگر به او بگوئید که اکنون همانقدر یک چهره سیاسی است که یک دانشمند خواهد گفت که دلیل و مدرک کافی - بطرز عجیبی محتاط می شود و برای اثبات وجود شما در دست می گوید: "نمی دانم." "نمی دانم." خواهم چنین ادعایی بکنم" اما می افزاید که ای کاش دانشمندان

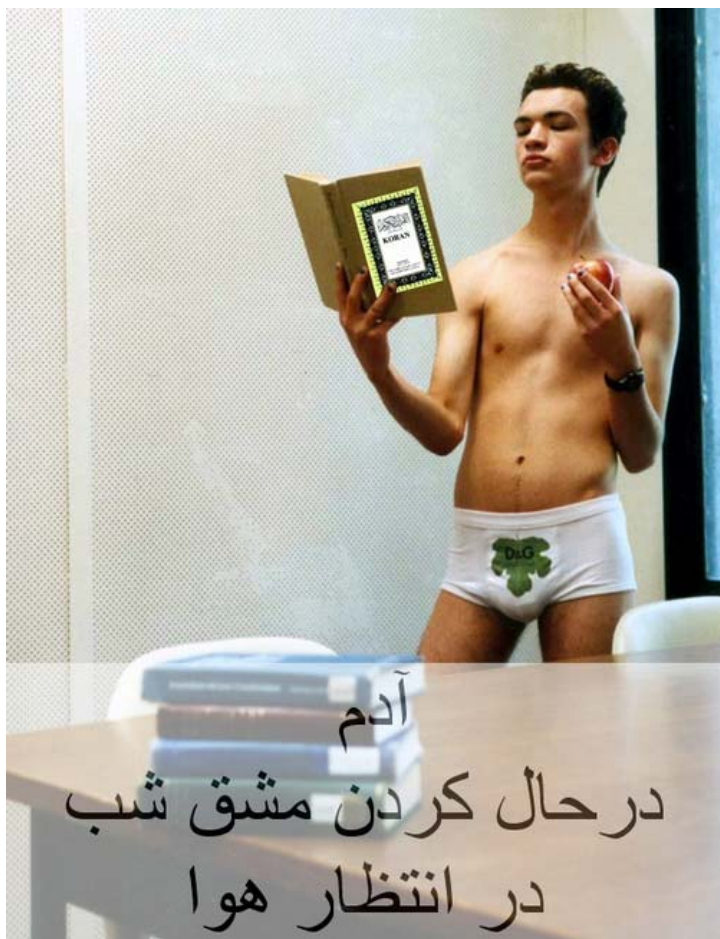
یک تصویر بیجان از انسانیت می دهد و او این را انکار می کند. خدا را بهمان ترتیب که انشتین بکار برد، بکار می برند، بعنوان "احتمال اینکه هریک از ما بوجود می آمدیم بسیار بسیار اندک است و در مورد کائنات، احساسی که من با وجود اینکه همه ما روزی هم در بیان آن با آنها شریک خواهیم مرد باید خود را خیلی خوشبخت و خوش شانس بدانیم که دهه های عمرمان را در آفتاب برای یک فرد آکادمیک در برخی سپری کردیم." اما او درباره چشم از نقاط این کشور آتئیست بودن انداز طولانی مدت حیات بشر یعنی از دست دادن کار خود و روی زمین متأسف است. "طی 50 بسیاری آتئیسم خود را پنهان می میلیون سال بسیار بعید است که کنند. در یک بررسی اخیر، 40 نوع بشر باقی مانده باشد و فکر درصد دانشمندان در آمریکا گفته کردن به از دست رفتن دانش و اند که به خدا عقیده دارند هرچند موزیک و هنر واقعاً تأسف که وقتی نمونه آماری از آکادمی برانگیز است." سراسری (معادل جامعه علمی مهارتهای بزرگ بریتانیا) تهیه شد این رقم به 10 مهارت بزرگ دوامینز این است که ماتریال دیگران را سنتز کرده و درک علمه از علم از سال 1995 با روش تفکری متفاوت درباره بوده و بیشتر از سایر دانشمندان مشکلات به میدان می آید و این توجه را بخود جلب کرده است اما کریسمس به کلیسا می رفتند متولد کار آینده تحقیق را دچار تحولی هنوز بخشی از وجود او را می شد. در مدرسه پیروی از کلیسای انقلابی می کند. اما او را صرفاً بینید که هنوز رویهمرفته باز بودن جزو مردان ایده بحساب آوردن، در معرض دید مردم راحت نیست. واضح است که کار اخیر او بیشتر شد اگرچه به او تحمیل نشده بود. از دست دادن اهمیت بینش اوست. او بیاد می آورد: "اولین تردیدهام ممکن است که او کت سفید کار در را در سن نه سالگی داشتم" "وقتی آزمایشگاه را این روزها نپوشد که فهمیدم ادیان متعددی هستند و اما رکورد طولانی در این کار همه می توانند درست باشند." "من دارد. از نظر شخصی دوامینز در 15 سالگی دیگر به خدا عقیده چندان قابل نزدیک شدن نیست اما نداشتم." دوستانه است بیشتر نظر می آید مخالفینش ادعا می کنند که دوامینز فردی در خانه و مقابل کامپیوتر

بی خدایان اقلیتی نامطلوب در آمریکا

همجنسگرایان رده بندی می کنند و بحساب می آورند. آته ایستها اقلیتی هستند که آمریکائیان کمترین علاقه را برای ازدواج فرزندان شان با آنها دارند. با اینکه تعداد بی خدایان در جامعه آمریکا رقم بالایی نیست و آنها رسماً متشکل و سازمان یافته نیستند و هویت آنها را نمیتوان علناً و براحتی پیدا کرد اما عموماً بعنوان تهدید و خطری نسبت به روش زندگی آمریکائی بحساب می آیند. یک استاد یار دپارتمان جامعه شناسی دانشگاه مینه سوتا می گوید: "آته ایستها که ۳ درصد جمعیت آمریکا را تشکیل می دهند نسبت به قاعده تولرانس و تساهل مورد سوال قرار گرفته اند آته ایستها در این جامعه قرار داشته نخبه گرایی فرهنگی و دید مادی استثنای محسوب می شوند و این از زندگی همسان دانسته اند. آنها اصل در مورد آنها رعایت نمی شود. او می گوید آته ایستهای به فکر مصالح و منافع عموم امروز همان نقش کاتولیک ها و نیستند می بینند. این دیدگاه در یهودیان و کمونیست ها در گذشته مورد آته ایستها به درجه آموزش را بازی می کنند. برای عضویت و آگاهی زندگی در فضای بزرگتر آنها در جامعه امروز آمریکا مرز و متنوع تر و جهت گیری سیاسی می آیند. یک استاد یار دپارتمان و محدوده ای اخلاقی و ارزشی افراد مستقیماً مربوط بوده است. وجود دارد که محور آن دین و

طبق آخرین بررسی های آماری که توسط مراکز تحقیقی و آکادمیک در آمریکا صورت گرفته است تنوع رو به افزایش افکار و آرا و تولرانس نسبت به این تنوعات شامل حال بی خدایان نمی شود. آمریکائیان بی خدایان را از نظر نگرش منفی به آنها بعد از مسلمانان و مهاجرین تازه وارد و

عضو انجمن بی خدایان بشوید! برای رهایی از سلطه اسلام و اسلام زدایی از ایران به ما بپیوندید!



مردم به تنگ آمده از اسلام،
بی خدایان! آزاد اندیشان!

انجمن "بی خدایان" می خواهد سخنگوی جنبش ضد مذهبی باشد که برای رهایی از اسلام و اسلام زدایی از ایران و خلاصی از یوغ دین مبارزه می کند. جنبشی که علیه حاکمیت اسلام و خدا و حکومت آنها بر انسان است. جنبشی که اصالت انسان را در مقابل دین و خدا قرار می دهد و آنها را از زندگی و جامعه جaro می کند. ما می خواهیم در مقابل کلام و قانون خدا و آیت الله، در مقابل قانون سنگسار و منکرات و تغزیرات و عزاداری و حجاب و آپارتاید جنسی- کلام و قانون انسان و آزادی او را قرار دهیم. ما پرچم دفاع از حرمت انسان را با دفاع از او در مقابل دین، اسلام و خرافات بلند میکنیم.

مردم! عضو انجمن بی خدایان شوید و بی خدایی را به هر شکلی که میتوانید تبلیغ کنید!
نشریه بی خدایان را تکثیر و پخش کنید و بدست دیگران برسانید!
با ما تماس بگیرید به ما بپیوندید و جنبش رهایی از اسلام و بی خدایی را گسترش دهید.

اعظم کم گویان
انجمن بی خدایان

azam_kamguian@yahoo.com

www.bikhodayan.com

http://www.bi-khodayan.blogspot.com/

بی خدایان را
تکثیر و پخش
کنید!



خدا، دین و حقیقت

احترام قابل درخواست نیست و نمی‌تواند توسط یک دولت مدعی آزادی به زور از مردم طلب بشود. احترام فقط می‌تواند آزادانه ادا شده و بجا آورده شود. درخواست مسلمانان برای احترام قانونی و مشروط و مقید برای عقاد دینی شان نمی‌تواند توسط جامعه‌ای آزاد تامین شود. ناتوانی در درک این مساله توسط قشری از مسلمانان بدون اغراق ترژیک است.

مینت مارین

بدنبال توبیخ و تنبیه بوسیله اداره مقدس تفتیش عقاید، که تماماً باید دست از حمایت از این نظریه جعلی که خورشید مرکز عالم است و ثابت و زمین مرکز عالم نیست و میگردد بردارم. من به بیانات الحادی و خطای خودلغت میفرستم و عموماً از همه چیز و هر فرقه که در تضاد با کلیسای مقدس کاتولیک است متفرم. (توبه گالیله ژوئن ۱۶۳۳)

گالیله

باید بارها و بارها گفت که آنچه در زمینه اسلام و غرب این روزها در دنیا می‌گذرد نه جنگ تمنها بلکه یک جنگ دائمی در دنیای اسلامی بین دین سالاران و تنوکراتها با نیروهای آزادی و مدرنیسم است. همانطور که قبلاً هم گفته‌ام بهترین خدمتی که چپ آزادیخواه در غرب می‌تواند بکند این است که برای یکبار هم شده در سمت و سوی درست این نبرد قرار بگیرد و از جبهه آزادی و مدرنیسم در دنیای اسلامی حمایت کند.

نیک کوهن

در دوره جوانی تکامل معنوی انسان، خیال انسان خدا را از روی تصویر انسانهایی ساخت که با اجرا کردن نیاتشان مصمم بودند به هر قیمتی بر این دنیای استثنایی اثر بگذارند. ایده خدا در تفکر مذاهب امروز نمونه متعالیتر شده همان برداشت قدیمی از خدا است. شکل‌های انسانی که برای او قائل شده‌اند. نمونه حقیقی از درخواست انسانها در دعاها و التماسهایشان از خداوند برای برآورده کردن آرزوهایشان است. معلمین مذهبی برای تعالی اخلاقیشان باید قد و قامت این رو داشته باشند که دکنترین خدای فردی را ول کنند. همین، ول کن اون ترس و امیدی که در گذشته چنان قدرت فوق العاده بزرگی به کشیشها داده بود.

آلبرت انشتین

"آزاده کردن احساسات مسلمانان" "توهین به اسلام و عقاید مذهبی مردم" "نادیده گرفتن ارزشهای فرهنگی مسلمانان" و "رویارویی تمدنهای اسلامی و غربی" را این روزها در متن طوفان برپا شده ناشی از انتشار کاریکاتورهای محمد پیغمبر اسلام می‌شنوید. اینها را هم دولتهای مصر و عربستان و پاکستان و ایران و اندونزی و بوسنی و مصر و الازهر و بن لادن و امام جمعه‌های بریتانیا و جریانات اسلامی و ولی فقیه و سفرای آن در کشورهای غربی می‌گویند هم تونی بلر و محافل مختلف راست و لیبرال همدست و همفکر آن. همراه با اینها تظاهرات‌هایی از سوی دولتهای اسلامی و جریانات عربده کش اسلام سیاسی در خیابانهای کابل و بیروت تهران و حمله به سفارتخانه‌ها و به آتش کشیدن آنها را مشاهده می‌کنید.

اعظم کم‌گویان

شما نمی‌توانید این را از خدمات و جان فشانیهایی که هم تونی بلر و هم جک استرا برای دین می‌کنند دریابید. اما یکی از مشخصه‌های جالب و جذاب زندگی در بریتانیا معاصر (باید اقلیت مسلمان را مستثنی کنیم) این است که جامعه و مردم بطرز بارزی سکولار شده‌اند و در جهان نگرانی آنها اعتقاد مذهبی نقش محوری ندارد.

سلمان رشدی

انسان قسمتی از کل است، که ما به آن می‌گوییم جهان، قسمتی که محدود است در زمان و مکان. او خودش را، افکارش را و احساسش را مثل چیزی جدا از بقیه تجربه می‌کند. نوعی فریب بصری از هوشیاریش. این اغفال برای ما نوعی از زندان است، مهر و عاطفه منحصر میشه به امیال خودمان و اندکی اشخاص نزدیکتر به ما. وظیفه ما باید این باشه که از این زندان "با فراختر کردن دایره مهربانیمان برای در آغوش گرفتن همه مخلوقات و زیبایی طبیعت" خودمان را آزاد کنیم.

آلبرت انشتین

تصدیق اینکه خورشید مرکز عالم است فقط بر روی محور خود می‌چرخد، بدون حرکت کردن از شرق به غرب بر خورد و رفتاری خطرناک است و نه تنها تحریک کننده فلاسفه و تنولوژیستهای مدارس و آموزشگاهها محسوب می‌شود بلکه درصیت با کتاب آسمانی اسنت و ایمان مقسمان را جریحه دار میکند. (کار دینال بلارمینو رئیس کالج کلیسای رم که گالیله را برای آثار ستاره شناس اش زندانی و شکنجه کرد.)

گالیله

دین باید به تن دمکراسی خیطی بشود و خود را با آن منطبق کند و نه بالعکس. هیچ دینی نباید مجوز برای دیگته کردن امور زندگی به مردم بشود و قانون تصویب کند. اعتقادات مذهبی هیچکس نباید موجب پایمال شدن آزادی و دمکراسی بشود.

رونالد نورکین

کاریکاتورهای محمد را "غیر قابل قبول" خواندن و خود را "در احترام" به اسلام سانسور کردن ما را در غرب به اطاعت از قانون اسلامی شریعت می‌کشاند.

دیانا وست

بسوی یک اروپای سکولار

گریستین آیشن ترجمه: اعظم کم گویان

غالباً این سوال از ما پرسیده می شود: "آیا اروپا روزی سکولار جمهوری اجتماعی و دموکراتیک خواهد شد؟" اگر منظور از اروپا بعنوان یک قاره است جواب این سوال مثبت است. اروپا چیزی خواهد شد که مردم آزاد ملتها و دولتهای اروپا می خواهند باشد. اگر ماسنت بزرگ حق مردم و اراده آنها در تعیین سرنوشت و آینده شان را ادامه بدهیم چنین خواهد شد. اما اگر اروپا بمعنی نهادهای فرا-اروپایی مستقر در بروکسل و استراسبورگ است جواب نه است. این اروپای دومی اروپایی مذهبی ارتجاعی ضداجتماعی و ضددموکراتیک و در دست روحانیون و دینداران است. در اروپای واحد فعلی به اندازه تعداد جمهوری ها نظام سلطنتی وجود دارد. بروکسل چه سیستمی را انتخاب می کند؟ تفاوت اصلاً کوچک و کم نیست.

تفاوت چیست؟

از ۱۵ کشور اروپای واحد ۱۴ کشور به استثنای فرانسه دین دولتی را (در شمال اروپا در سنت پروتستان) کلیساهای رسمی دولتی (در انگلستان و فرانسه) و یا در کشورهایی که در سنت کلیسای کاتولیک هستند تابعیت و تبعیت از واتیکان را دارند. حتی پرتغال که باصطلاح از انقلاب تناسخ در ۱۹۷۴ کنکوردات یا توافق نامه سالازار مصوب ۱۹۲۹ را کنار گذاشته بود آن را دوباره با واتیکان احیا نموده است.

کنکوردات یک توافق نامه دیپلماتیک بین یک دولت با واتیکان است که هدف آن حمایت از کاتولیسیسم در آن دولت است. در بسیاری از موارد به کشیش ها و مقامات کلیسا از بودجه مردم حقوق پرداخت می شود و از مالیات پرداخت شده مردم مدارس کاتولیکی ایجاد و اداره می شوند.

در فرانسه - در آلاس و ماسل- و در آلمان اتریش ایتالیا اسپانیا و پرتغال با واتیکان کنکوردات برقرار است. واتیکان منتظر است تا عضویت کشورهایمانند لهستان و سلواکی مه در انتظار پیوستن به اروپای واحد هستند روشن شود تا با آنها کنکوردات امضا نماید.

کنکوردات مانند بیماری مسری در حال گسترش است. در کلیه کشورهای اروپایی - به جز فرانسه - کشیش های کاتولیک یا اورتدکس یا انگلیکن (وابسته به کلیسای انگلستان) خاخام های یهودی کشیش های پروتستان و امام های مسلمان می توانند در مدارس دولتی معلم باشند. در بسیاری از این کشورها ادیان در مدارس دولتی تعلیم و آموزش داده می شوند. قانون قرون وسطایی مجازات کفر در بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله در آلمان اتریش یونان و دانمارک و انگلستان و اسپانیا هنوز وجود دارد و شهروندان را تهدید می کند. شهروندان زیر تهدید و آزار و تعقیب نمی توانند از ادیان و مذاهب انتقاد کنند.

نقش معاهده های اروپایی

معاهده ماستریخت (۱۹۹۱) آموزش و فرهنگ را به عرصه های رقابت اروپای واحد وارد کرد. یک معلم مدرسه در هر کشور عضو اروپای واحد قادر خواهد بود در مدرسه هر کشور دیگر عضو اروپای واحد تدریس کند به این شرط که قابلیت های تخصصی اش از طریق مدارک و بررسی معتبر باشد. چه اتفاقی خواهد افتاد اگر یک کشیش کاتولیک ایتالیایی که معلم است برای یک شغل معلمی در فرانسه

تقاضای کار کند؟ تقاضای وی رد می شود چون قانون آموزش پرورش سکولار و قانون ۱۹۰۵ مبنی بر جدایی دین و دولت کشیش ها را از تدریس در مدارس دولتی فرانسه منع می کند. اما او بخاطر تبعیض به دادگاه اروپایی عدالت شکایت خواهد کرد و در این مورد قوانین اروپایی بر قوانین کشوری

(فرانسه) مقدم خواهند بود. در نتیجه در این مورد سکولاریسم نیست که اشاعه می یابد بلکه دین و روحانیت است که مسری خواهد شد. همچنین پای حفاظت از آزادیهای دموکراتیک پایه ای هم در میان است. قانون ۱۹۰۵ فرانسه مبنی بر جدایی دین و دولت در اولین ماده آزادی وجدان را تضمین می کند و انجام آن را در ماده ۲ خود متحقق می کند: جمهوری نه مذاهب را برسمیت می شناسد نه به آنها پولی می پردازد و نه آنها را سوبسید می کند. دادگاه اروپایی عدالت در نقطه مقابل ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ادیان رسمی کفر و یا مالیات کلیسا را در نظر نمی گیرد.

آمستردام ۱۹۹۷

در ماه ژوئن ۱۹۹۷ کنفرانس بین دولتی آمستردام به تجدید نظر در معاهده ماستریخت دست زد. چند ماه قبل از آن واتیکان پیشنهاد کرد که آن فصل از معاهده که مربوط به آزادیهای پایه ای است باید به مسیحیت بعنوان میراث فرهنگی مشترک مردم اروپا اشاره کند. اما واتیکان یک دولت عضو اروپای واحد نیست و پیشنهاد آن هم مورد بحث قرار نگرفت. معاهده کمی قبل از افتتاح کنفرانس آمستردام - ایتالیا آلمان اتریش و پرتغال همان پیشنهاد واتیکان را بعنوان یک درخواست مطرح کردند. در نتیجه اروپای واحد اعلامیه شماره ۱۱ را تصویب کرد که طبق آن موقعیت نهادهای مذهبی تحت قوانین سراسری دولتهای عضو اروپای واحد حفاظت شده و مورد احترام قرار می گیرند. این امتیاز غیر دموکراتیک و ارتجاعی کلیساها از آن پس تضمین شد.

ماده ۵۱ پیش نویس اسانامه اروپای واحد
لایبست های روحانی درخواست می کنند که اعلامیه شماره ۱۱ آمستردام بعنوان ماده ۵۱ اسانامه آتی اروپای واحد بایک عبارت اضافی در مورد دیالوگ با کلیساها و سایر سازمانها تصویب شود. در حالی که خیلی بعید است که خدا و هم توسط مقامات نظامی جمع

کوتاه و خواندنی

رضا سروش از ایران

پایه و بنیان اسلام بر دو اصل اساسی استوار است: ۱- دروغ ۲- ترور

اولین قدم برای ورود به وادی اسلام این است که به خودتان دروغ بگویید. چه دروغی؟ اینکه خدا وجود دارد و قیامتی آنطور که آخوندها گفته اند، خواهد بود. اول خودتان را گول میزنید و بعد شروع به دروغ گفتن به دیگران میکنید. من به عنوان کسی که تمام عمرم را در یک جامعه مذهبی و در یک محیط کاملاً مذهبی گذرانده ام و اکنون نیز هیچ روزی نیست که صدای نوحه و اذان را نشنوم، خود شخصا با همه وجود تجربه کرده ام که زندگی در یک جامعه اسلامی بدون دروغ و حقه بازی و ریا ممکن نیست. و این هیچ

دلیلی جز این ندارد که پایه و بنیاد اسلام دروغ است. همه روابط انسانها در ایران آلوده به دروغ و ریا است. اگر بخواهید با آزادگی و انسانیت و صداقت در میان مردم ایران زندگی کنید راه احمقانه ای را انتخاب کرده اید و مردم به شما خواهند خندید و شما را کودن خواهند شمرد زیرا از نظر مردم باهوش کسی است که با دوز و کلک گلیم خودش را از آب بیرون بکشد. آنها همه دغلبازها و اعمال و افکار غیر اخلاقی و ضد انسانی خود را با همان دینی که از اول با دروغ به آن راه یافته اند، توجیه میکنند و باز هم با بی شرمی می گویند که این دین بهترین شیوه زندگی را به انسان می آموزد.

خواهد ظرفیتها و قدرتهای شاهانه آوری می شد که خود به اندازه یعنی هدایت و مراقبت و کافی از آن برداشت می کردند. فراخواندن و مخالفت را حاکم کند. این سیستم یک فاجعه اجتماعی بود.

آینده اساسنامه اروپای واحد-

زمانی که انقلابیون ۱۷۸۹ می خواستند آزادی و برابری را متحقق کنند اعلام جمهوری کردند و بخش دولتی را بوجود آوردند. که آغشته به بوی آب مقدس و آنها درست برعکس سیستم عتیق فرانسه عمل کردند و مسایل مربوط به عموم جامعه را به دینی که زیرسلطه واتیکان قرار سازمانهای رده بالا سپردند مانند

سیستم های خدمات دولتی و سیستم جمهوری و سیستم سراسری و دیپارتمانی و شهرداریها. سیستمهایی که برابری واقعی را بوجود می آوردند.

در نقطه مقابل اصل فرعی کردن که توسط اتحادیه اروپا بکار گرفته شد به خصوصی کردن خدمات دولتی منجر شد. اصل فرعی کردن- نابودی جمهوری و دستاوردهای اجتماعی را هدف قرار می دهد. این پایان جمهوری است و نه پایان دولتی که می

از فصلنامه اخبار بین المللی اوماتیستی - پانیز ۲۰۰۴



دگر اندیشان سروکار از پا در آورید. پس از آن اسیران داری. الله نگاه کن در کلام جنگ را محکم به بند کشید که پاکت چه نوشته ای: بعداً آنها را آزاد کنید یا فدا بگیرید تا جنگ سختیهای خود را فرو سوره ماده گوساله (بقره) با کافران جهاد کنید تا ۲:۱۹۳: فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود و همه را آیین خدا باشد و اگر فتنه و جنگ دست کشیدند ستم جز بر ستمکاران روا نیست. سوره المائده ۵:۳۳: همانا کفر آنان که با خدا و رسول او به جنگ برخیزند و به فساد کوشند در زمین جز این نباشد که آنها را به قتل رسانند و یا دست و پایشان به خلاف ببرند و یا با نفی بلد و تبعد از سرزمین صالحان دور کنند. این نلت و خواری عذاب دنیوی آنهاست و اما در آخرت باز به عذابی بزرگ گرفتار خواهند شد. سوره محمد ۴:۴۷: شما مومنان چون با کافران روبرو شوید باید آنها را گردن بزنید تا آنگاه از خونریزی زیاد دشمن را در بیاوری.

سوره المائده ۵:۱۰۱: ای اهل ایمان هرگز از چیزهایی می پرسید که اگر فاش شود شما را زشت و بد می آید و غمناک می شوید و اگر پرسش آن را هنگام نزول تازینامه واگذارید. تازینامه برای شما هر آنچه مصلحت است بیان می دارد. و الله از اعقاب سوالات بیجای شما در گذشت که الله بخشنده و بردبار است. سوره المائده ۵:۱۰۲: قومی پیش از شما هم سوال از آن امور نمودند آنگاه که برایشان بیان شد کافر شدند. الله این خیلی مسخره است که اگر ما سوالی در مورد اسلام بکنیم منجر به بی ایمانیمان بشود. حالا ما می فهمیم که چرا تو مجازاتهای سختی را برای آنها که سوال می کنند نظیر کافران و دگر اندیشان شدی. اینطور نیست؟ کشتار در نظر گرفته ای. الله ما به ایران بنگلادش افغانستان و راستی خیلی کنجکاویم که بدانیم آیا تو برای جلوگیری از کج فهمی ها جایی را برای ضبط بیانات نظیر

سردرگم می‌کند موضوع داروست کردیم. افراد ما به دلیل پیروی از همه داروهای مدرن نجات دستورات تو نظیر خواندن نماز و دهنده و اختراعات پزشکی نظیر روزه و حج و اجرای آن در داخل پنی سیلین انتی بیوتیک اشعه و خارج بسیار مشغولند. به این ایکس شیمی درمانی، سی تی اسکن سونوگرافی ماموگرافی های جدید و اسیل بنویسند. الله جان چه اشکالی دارد که ما شده اند. ما از گفتن اینها نفرت مطالبمان را همانند يك چرخه داریم اما ای الله ما چاره دیگر مرتب در سایت ها تکرار کنیم نداریم چون زندگی ما کاملاً به نوشته های خودت هم خیلی این کفار بستگی دارد. بعضی اوقات این الله چرا باید اینطور باشد الله حد اقل این توانایی را به ما بده که سوال می‌کنند برای چه مطالب بتوانیم در موقع مواجه شدن با بیماری جان خود را نجات دهیم. الله به نظر می‌رسد که تو به تدریج ما را به دست فراموشی ساکت می‌کنیم. ما همان کاری را سپرده ای. الله بگو چه خطایی از ما سر زده تا آنجا که می‌دانیم گناهی از ما سر نزده است. در حقیقت تعدادی از هموطنان ما در بهشتهای اسلامی تو در حال به اجرا گذاری دستورات ناب تو می‌باشند. اما با وجود این تو هنوز از آنها راضی نیستی و انواع بلایای طبیعی و رنج های غیر قابل قیاس را برای آنها فرو می‌فرستی. ما فکر می‌کردیم این بلایای طبیعی نظیر سیل و قحطی و طوفان را لایق ان کافران میدانستی. الله آیا این عادلانه است که آنهايي را که به تو ایمان دارند در رنج ننگه داری و کافران از بلایا كاملاً مصون باشند. بیشتری نیازمندیم ما شب و روز مشغول انجام دادن تکالیفمان هستیم خدا جان ما کارهایمان بی نتیجه مانده ما هر روز از طرف آزاد اندیشها و سکولارها مورد تهاجم قرار می‌گیریم. ما فکر می‌کنیم اینترنت (هدیه تو به بشر) در اختیار ما خواهد بود ما مبلغ هنگفتی را برای ساختن سایت هایی که به تو اختصاص داشته باشد خرج کردیم. ما فکر می‌کردیم اینترنت چون اسلحه ای بدست ما خواهد بود تا به وسیله آن همه مردم کره زمین را به اسلام دعوت کنیم. ما فکر می‌کردیم میتوانیم با اندیشه روشنمان يك در ده از این دگر اندیشان و کافران را از بین ببریم. از مقاله ها بحث ها و نوید های زندگی جاویدان و بهشت سخن رانیم در همه این سایتها از این چرخه ها استفاده

مطالب جدیدی بر می‌خوریم که بیرون تو قادر نیستند از پس آنها بر بیایند خیلی برای ما شرم آور است وقتی که متوجه می‌شویم این دگر اندیشها و سکولارها روزی یکی از پیروان تو بوده اند. اگر دوست داری در مورد آنها بیشتر بدانی می‌توانیم آدرس ایمیل آنها را همراه با مقالات کفر آمیزی که جرأت به نوشتن آن کردند برای تو بفرستیم. الله آیا تو خودت عقیده آنها را نسبت به خود تغییر دادی؟ ما این مطلب را از گفته های بی شمار خودت استنباط کردیم اگر فراموش کردی چند نمونه از این آیه ها را برای یاد آوری در اینجا متذکر می‌شویم: سوره یونس 10:100: هیچ کدام از نفوس بشر را تا خدای رخصت ندهد ایمان نیاورند و پلیدی را خدا برای مردم بی‌خرد که عقل را به کار نبندند مقرر داشته است. سوره فاطر 35:8: الله هر که را خواهد گمراه کرده و هر که را خواهد هدایت سازد. پس تو نفس شریف خود را برای هدایت این مردم به غم و حسرت نینداز که خدا به هر چه اینان کنند آگاه است. سوره انعام 6:125: پس هر که را که خدا هدایت او را طالب باشد قلبش به نور اسلام روشن و منشرح گردانید و هر که را خواهد گمراه گرداند و دل او را تنگ و سخت گرداند که گویی می‌خواهد از زمین به آسمان رود این است که الله آنان را که به حق نمی‌گروند مردود و پلید می‌گرداند. الله جان در ایمیلی که در جوابمان میدهی علت ترسمان را تصدیق بکن. اگر این مطالب از جانب تو تصدیق شد بهتر است ما وقتمان را برای این کافران و دگر اندیشان به هدر ندهیم چون این خواسته خودت بوده است. الله جان باور کن ما هر روز شاهدیم که این دگر اندیشها و کافران به آهستگی اما با اطمینان در این جنگهای اینترنتی بر ما فائق می‌آیند اما کاری از دست ما بر نمی‌آید. برای اینکه موقعیت را دشوارتر کنند این کافران و دگر اندیش ها از اسمهای جعلی استفاده می‌کنند و هویت واقعی خود و

محل زندگیشان را پنهان می‌کنند. الله جان لطفاً سوء تفاهم نشود ما خیلی تلاش کردیم که پرده از چهره این دشمنان اسلام برداریم ما آنها را مرتد نامیدیم و حکم جهاد بر علیه آنها صادر کردیم ما هرگز فرمایشات تو را در مورد این کافران فراموش نکردیم به عنوان يك حرفه ای نکاتی از فرمایشات خودت را خاطر نشان می‌کنیم. سوره نساء 4:137: آنان که به غیب ایمان آوردند و سپس کافر شدند باز ایمان آورده و دگر بار کافر شدند پس بر کفر خود افزودند اینان را الله نخواهد بخشید و به راهی هدایت نخواهد فرمود. سوره نحل 16:106: هر آن کس بعد از اینکه به الله ایمان آورده باز کافر شده آنکه به زبان از روی اجبار کافر شود و دلش در ایمان ثابت باشد. بلکه به اختیار کافر شود و بارضا و رغبت و با هوای نفس دلش آکنده به ظلمت کفر گشت بر آنها خشم و غضب الله و عذاب سخت دوزخ خواهد بود. سوره الشوری 42:16: و آنان که در دین الله جدل و احتجاج بر گزینند پس از آنکه خلق دعوت او را پذیرفتند حجت آنها نزد الله لغو و باطل است و بر آنها قهر و عذاب سخت خواهد بود. الله ما تعدادی ایمیل انزجار ' تهدید' و اخطار آمیز به آنها فرستادیم. در بعضی از این ایمیل ها ما آنها را تهدید کردیم که سرشان را می‌بریم. همانطور که آموزش خودت بوده و پیامبرت نیز به آن عمل کرده. اما آنها اصلاً اهمیت نمی‌دهند. آنها از سلمان رشدی و تسلیمه نسرین خطر ناك تر شده اند. الله جان به ما كمك كن كه اين مرتد ها را پيدا كنيم. تو مطمئنیم که تو فراموش نکردی که در فرمایشات هر ورق از کتابت را تحسین کردی. آیا تو يك ظبط صوت داری؟ لطفاً این نوار را برگردان به 1400 سال پیش ما می‌دانیم که در آیه ذیل فرمودی در مورد ایمان نباید هیچگونه سوالی بکنید.

نامه ای به الله

ابوالقاسم بنگلادشی

الله عزیز سلام علیکم: حقیقتا ما نمی دانیم چگونه ترا مورد خطاب قرار دهیم. بنا براین ما از همان طریق که به پیامبر مورد علاقه ات یاد دادی با تو احوالپرسی می کنیم. همچنین برای ما خیلی مشکل است که بدانیم تو کجایی. چون تو برای ارتباط برقرار کردن با امتت توسط وزیر اطلاعات خود یعنی جبرئیل در ۱۴۰۰ سال پیش با محمد ارتباط برقرار کردی و از آن موقع تا به حال ما از تو چیزی نشنیده ایم این برای ما خیلی ناراحت کننده است. در طول این هزار و چهارصد سال خیلی از چیزها در دنیا عوض شده است ما کاملا مطمئنیم که تو از همه این تغییرات مطلعی. ما این ایمیل را برای تو می فرستیم به این امید که در جایی از این فضای بزرگ اینترنتی تو را پیدا کنیم. الله این بی ادبی ما را ببخش. ما سعی کردیم که با تو توسط نماز و روزه و حج و تسبیح و زکات ارتباط برقرار کنیم. اما افسوس که همه تلاش ما بی نتیجه ماند شاید تو سرت خیلی شلوغ است یا مسائل دیگری داری که باید به آنها بپردازد. هزاران سال صبر کردیم که به وعده هایت وفا کنی اما تا به حال چیزی دریافت نکردیم. به این دلیل است که در کمال نا امیدی این ایمیل اظطراری را برای تو می فرستیم. الله عزیز آیا تو یک دستگاه فاکس داری؟ ما مطمئنیم که تو حتما یک دستگاه فاکس داری چون حتی آفریده های تو توانسته اند ماشین فاکس اختراع کنند پس تو حتما یک دستگاه فاکس و یک خط تلفن داری بنا براین می توانیم هر وقت که ضرورت ایجاب کند با تو ارتباط برقرار کنیم.

الله ما از این که به دنیا آمده ایم و بزرگ شده ایم اصلا خوشحال نیستیم. چون ما مجبوریم که با فقر و بی عدالتی بیماری و نبود آینده ای روشن برای خود و بچه هایمان مواجه بشویم. ما فکر می کردیم که تو ایمان ما را بوسیله آن بلایا می سنجی بنا براین ما راهی پیدا کردیم که به سرزمین کفار مهاجرت کنیم. الله ما می دانیم که اگر تو از نیت اصلی ما از این مهاجرت مطلع بشوی حتما ما را می بخشی. ما می خواستیم این کافران را به اسلام دعوت کنیم و در کنار آن زندگی راحتی را برای خود و فرزندانمان حداقل از نظر مادی تامین کنیم. همچنین ما می خواستیم مساجدی را در اطراف شهرهای این کافران بسازیم. این بزرگترین آرزوی ما بود. الله تو فکر نمی کنی که این یک فکر مبتکرانه بود به این وسیله ما می توانستیم با یک تیر دو نشان بزنیم. ما اینجا دیدیم که زنان حجاب ندارند اول خجالت می کشیدیم به این زنهای بی حجاب نگاه کنیم ما قوتا به راهنمایی تو عمل کردیم نظیر این آیه: سوره نور ۲۴:۳۰: بگو مردان مومن چشمهایشان را ببوشانند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند و الله به هر چه می کنید آگاه است. ما فکر کردیم اینها مثل فاحشه ها هستند و خود را در معرض تجاوز قرار می دهند ولی با کمال تعجب دیدیم این زنان بی حجاب در سرزمین کفار به ندرت مورد ادیت و آزار و یا تجاوز جنسی قرار می گیرند. چطور همچین چیزی امکان دارد؟ چون زنهای ما با وجود اینکه حجاب را رعایت می کنند اما هنوز احساس امنیت نمی کنند چرا باید اینطور باشند. ای الله ما در طول زندگی غذا های حلال خوردیم ما هرگز غذاهایی را که از طرف تو ممنوع شده بود نخوردیم. حتی در سرزمین کفار ما هر روز حدود چند مایل رانندگی می کردیم تا غذای حلال بخوریم. هر چند که ممکن بود آن غذاهای حلال سالم نباشند ولی ما ترجیح می دادیم که غذاهای حلال بخوریم تا اینکه غذاهای بهداشتی و سالم این کافران را. بنا براین ما به ندرت مکدونالد مرغ کنتکی بریان خورها به نظر خیلی سالم به نظر می رسند. اما خیلی از ماها علی رغم اینکه در زندگی فقط به اگر چه سالم و بهداشتی بودند خوردن حلال می پر دازیم به خوردیم. ما افتخار می کنیم که به فرمایشات گوش فرا دادیم. الله می دانی چرا این کار را کردیم؟ به این دلیل که خودت گفتی کافران نجس هستند ببین این چیزی هست که تو خودت به ما گفتی خودت به ما گفتی: ۹:۲۸: ای اهل ایمان حقیقتا کافران نجس می باشند. پس بنا براین از امسال به آنها اجازه ندهید که به مسجدالحرام وارد شوند و اگر از فقر می ترسید الله اگر بخواهد به زودی از مرحمت خود شما را بی نیاز می کند و الله دانا و عاقل است. نیکو ترین امتی هستند که قیام کردند مردم را به نیکو کاری دعوت کنند داریم وقتی که این کافران برای یک میهمانی ما را به خانه هایشان دعوت می کنند و انمود میکنند که افق فکری ما باز است وقتی ما به این میهمانیها می رفتیم به دقت دنبال علائمی که حرام بودن این غذا ها را مشخص کند می گشتیم بیشتر اوقات ما فقط آبمیوه می خوردیم و لب به هیچ غذایی نمی زدیم به میزبان می گفتیم گرسنه نیستیم یا اینکه می گفتیم مریضیم. الله تو فکر نمی کنی این یک از خود گذشتگی بزرگ از طرف ما برای بزرگداشت فرامین تو بود؟ اگر به اشتباه ما غذای حرام مصرف کردیم ما را به خاطر این اشتباه ببخش فکر می کنیم اینچنین خطاهایی از طرف تو بخشودنی است. ببین خودت در تازینامه چه گفتی: را در یک ایمیل گنجاند. الله چرا ما سوره ماده گوساله (بقره): ۲:۱۷۳: به تحقیق الله بر شما حرام گردانید مردار و خون و تمام نقاط این کره خاکی را به گوشت خوک و هر گشته ای که به طریق الکترونیکی به هم متصل غیر از نام الله ذبح شده باشد ولی اگر به دلیل احتیاج به خوردن آن مجبور شود در صورتی که تمایل نداشته باشد و از اندازه سد رمق نیز تجاوز نکند. گناهی بر او نخواهد بود که به قدر احتیاج صرف کند که محققا الله در حق خلق آمرزنده و مهربان است. قابل باور این کافران ولی الله چیزی که برای ما معما یابند. موضوع دیگری که ما را